تا این جا ثابت شد که از نظر کبری در مسئله إجتماع أمر و نهی باید قائل به إمتناع إجتماع أمر و نهی در شیء واحد شد نه جوازی.

 اکنون باید راجع به صغری این باب تحقیق کنیم و ببینیم که آیا

مثلاً وضوء با آب غصبی صغری این مسئله است یه خیر ؟

یا تیمم در خاک غصبی از صغریات إجتماع أمر و نهی است یا نه؟

یا نماز در لباس غصبی و مکان غصبی از صغریات باب إجتماع أمر و نهی می­باشد یا خیر ؟

رمی جمره با سنگ غصبی ، یا وقوف در منا زیر خیمه های غصبی از این باب است یه نه ؟

و ...

در این مسئله بین فقها و علمای اصول سه مبنا وجود دارد.

**مبنای اول:** مرحوم نائینی می­فرماید: صلاه در مکان غصبی صغرایِ کبرایِ مسئله إجتماع أمر نیست بلکه داخل در باب تزاحم است.

**دلیل:** رکوع و سجود از مقوله وضع و بقیه اجزاء نمازاز مقوله فعل عرفی می­باشند و فعل عرفی با وضع جمع می­شوند اما غصب از مقوله أین است و دو مقوله أین و غصب متباین می­باشند و بین آنها ترکیب انضمامی است لذا از مسئله إجتماع أمر و نهی خارج است چراکه این مسئله مربوط به ترکیب اتحادی است[[1]](#footnote-1).

**مبنای دوم:** محقق اصفهانی در نهایه الدرایه قائل به إمتناع شده و از میان اجزای نماز دو جزء را صغری مسئله إجتماع أمر و نهی می­داند.

**الف:** سجود: زیرا سجده وضعُ الجبههِ علی الارض است و گذاشتن پیشانی در زمین همان تصرُّف در ملک غیر است و با تصرُّف یکی است، لذا مشمول إجتماع أمر و نهی می­شود . یک حرکت هم واجب و هم حرام شده است لذا إجتماع ضدین لازم می­آید.

**ب:** قیام اعتماد بر ارض است لذا نفس این قیام همان تصرُّف بر ملک غیر است.

 در نتیجه ایشان به خاطر این دو جهت نماز در مکان غصبی را داخل در مسئله إجتماع أمر و نهی می­داند

**مبنای سوم:** مرحوم خوئی در محاضرات می­فرماید: حقیقت سجده صِرف مماس شدن پیشانی با زمین نیست بلکه اعتماد نیز برای تحقُّق سجده شرط است یعنی ثِقل را بر اعضای سبعه بگزارد . لذا اگر کسی در مکان غصبی سجده نماز را به اشاره بجا آورد اشکال ندارد. در نتیجه اعتمادِ بر زمین تصرُّف است نه صرف تماس.

**اما تحقیق مسئله:**

اما کلام مرحوم نائینی باطل است زیرا ما ترکیب انضمامی را قبول نداریم بلکه ترکیب را اتحادی می­دانیم چنان چه در جلسه قبل ثابت شد. علاوه بر آنکه خود ایشان در فقه إمتناعی شده است.

اما نظر مرحوم اصفهانی که فرمودند سجود وضع الجبهه علی الارض است و این وضع متحد با تصرُّف در ملک غیر است ما این حرف را قبول نداریم.

 به نظر ما صرف تماس با ارض تصرُّف نیست لا اقل عُرفا مشکوک است که آیا صرف مماس شدن پیشانی با زمین تصرُّف است یا خیر؟ نمی­توانیم به ادله تحقُّق سجده تمسک کنیم زیرا تمسک به دلیل در شبهه مفهومیه است ؛ مثل اینکه نسبت به مفهوم موسیقی شک داریم و از راه دلیل حرمت غنا حرمت این موسیقی را بیان کنیم . لذا معتقد هستیم حقیقت در سجده علاوه بر تماس اعتماد بر ارض هم واجب است.

اتفاقا در روایات عنوان تمکن گفته شده است: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ أَ يَسْجُدُ عَلَى‏ الْحَصَاةِ وَ لَا تَمَكَّنَ جَبْهَتُهُ مِنَ الْأَرْضِ قَالَ يُحَوِّلُ جَبْهَتَهُ حَتَّى تَمَكَّنَ وَ يُنَحِّي الْحَصَاةَ عَنِ الْجَبْهَةِ وَ لَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ.

یعنی علاوه بر وضع جبهه بر زمین تمکن جبهه لازم است باید پیشانی را حرکت دهد تا جبهه مکانش را پیدا کند .

اما نظر آیت الله خوئی از یک جهت صحیح است و از جهت دیگر صحیح نیست.

اینکه ایشان حقیقت سجّده را نفس مساس ندانست صحیح نیست زیرا در لسان العرب و سایر کُتب لغط سجده را وضع الجبهه علی الارض تفسیر کرده اند و از نظر عرفی هم پیشانی روی خاک نهادن را سجده می­گویم. لذا در روایت هم نفس مساس جبهه بر ارض را سجده می­دانند

عن زراره عن احدهما قال: وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: قُلْتُ‏ الرَّجُلُ‏ يَسْجُدُ وَ عَلَيْهِ قَلَنْسُوَةٌ أَوْ عِمَامَةٌ فَقَالَ إِذَا مَسَّ جَبْهَتُهُ الْأَرْضَ فِيمَا بَيْنَ حَاجِبَيْهِ وَ قُصَاصِ شَعْرِهِ فَقَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.

کسی که امامه بر سر دارد و گوشه ای از آن مانع از تماس با زمین شود چه حکمی دارد؟

امام فرمود اگر عرفا بگویند تماس حاصل شد مجزی است. در نتیجه سجده همان تماس است.

اما با ایشان موافق هستیم که سجده در صورتی تصرُّف در ملک غیر است که علاوه بر تماس اعتماد بر ارض نیز داشته باشد و لکن اگر اعتماد را تصرف ندانیم مماسه تصرف است.

1. ۱-اصل این مبنا از صاحب جواهر است. [↑](#footnote-ref-1)